

با خواب حرف می‌زنم

ملیحه پیران کاشانی (همای)



انتشارات و مرکز فرهنگی دیجیتال ادبستان

با خواب حرف می‌زنم

ملیحه پیران کاشانی (همار)

مهاجر: ملیحه پیران کاشانی (همار)

ناشر: ادبستان

ویراستار: همار

طراح: همار

مطبعه: ...

ناظر چاپ: محسن سلطان

نوبت چاپ: ۱۴

شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۶۴-۶۲۲-۶۵۲۳-۱۴-۱

قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

سرشناسه: پیران کاشانی، ملیحه، ۱۳۶۲-

عنوان و نام پندآور: با خواب حرف می‌زنم / ملیحه پیران کاشانی (همار).

مقدمه: نویس: سید محمود علوی نیا
ویراستار: سیمه سادات علوی نیا

مشخصات نشر: کاشان: ادبستان نوین، ۱۳۹۸.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۳-۱۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: ۲th century -- Persian poetry

رده بندی کنگره: PIR۸۳۳۶

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۲۲۷۵۶

نشانی: کاشان - صندوق پستی ۳۲۵۹ / انتشارات و مرکز فرهنگی دیجیتال ادبستان شماره: ۹۳۵۳۸۰۱۴۰۰

پست الکترونیکی: Info@adabestan.com

www.adabestan.com

تمام حقوق این اثر محفوظ است و هرگونه بهره گیری از آن با اجازه کتبی از ناشر و مولف امکان پذیر خواهد بود.

دربارهٔ این مجموعه:

به نام خدا

بعد از هزار سال گذر پُر فراز و نشیب شعر فارسی همراه با جابه‌جایی حکومت‌ها و دولت‌ها و قلم‌ها و ثبات و بی‌ثباتی و ویرانی‌ها و آبادانی‌هایی که بر چهرهٔ این مُلک پُر گهر خروبارید سرانجام در ربع پایانی قرن ششمی گذشته به مشروطه رسیدیم و زمان ضرورت‌های تازه در فرم و قالب و سبک و محتوای شعر که محمل همهٔ اندیشه‌های تاریخی، اجتماعی و فکری و فلسفی بود فرا رسید و رسالت شاعران را ملزم به همراهی با مردم ساخت و ناگزیر بود از انتقال پیام جامعه و بیان حرف‌ها و دردهای عامه در قالب شعر و با گونه‌ای متفاوت که بیرون از هنجارهای شعاری باشد و مخاطب را به تامل و تعمق وادارد. همان گونه که نقاش با طرح‌هایی تازه و تندیسگر با پیکره‌ها و صورت‌های خسته و خشمناک و مشته‌های گره شده حکایت از تحولات بزرگ داشتند. روشن است که قالب سنتی موجود نمی‌توانست آن گونه که بایسته است بیانگر این رویدادها باشد چرا که دست و پاگون وزن و قافیه محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد که قادر نبود در برگیرندهٔ حجم وقایع باشد. این بود که آرام آرام ساختارهای نوینی از قالب و به موازات آن محتوا ایجاد شدند مثل مستزاد که زمینه‌ای کوتاه برای بیان و تاکیدِ بیشتر فراهم آورد:

تا چند کشی نعره که قانون خدا کو؟ گوش شنوا کو؟ ...

و این سرودهٔ میرزا حسن خان وثوق الدوله:

گر گذری هست و نه در کوی توست بر خطاست

که اولی در اعتراض به پاسخگو نبودن مسئولین و نخبگان و دومی در مایهٔ عاشقانه

سروده شده و یا بحر طویل‌ها که یک مصراع از چند سطر ساخته می‌شد و در دو وزن مقاعیلین یا فعلاتین که در پایان هر مصراع چند سطری قافیه می‌نشست... اینها مقدمه‌ای شد برای ظهور شعر نو که به صورت امروزی با نیما آغاز شد البته قبل از آن کسانی مثل ابوالقاسم لاهوتی و دیگران با جابه‌جایی قافیه، گام‌هایی برداشته بودند که نیما پس از آنها ظهور کرد.

به نواع شعر نو و طبقه‌بندی‌های آن وارد نمی‌شویم که خود مبحثی طولانی دارد و تنها به این بسنده می‌شود که سپید یکی از انواع شعر نو است که اگرچه فاقد وزن عروضی است، اما همین است و جای خاصی برای قافیه تعریف نشده مثل پاره‌ای از سرودهای شاعر.

مجموعه پیش‌روا ریشه‌های شاعری است که تازه گام در این مسیر نهاده و ادعایی برای کارهایش ندارد، مع‌قد است همیشه در حال آموختن. به کلاسیک و شعر سنتی نیز علاقه‌مند است. ماه دست‌برآورد اما می‌گوید بهتر دیدم ابتدا بخشی از سروده‌های پیشینم را در معرض قضاوت مخاطب قرار دهم تا خود را با داوری‌ها محک بزنم.

وقتی می‌خوانیم:

ثانیه‌ها

بی صدا

زیر آوار تنهایی

ذره

ذره

تو را فریاد می‌زنند...

گستره‌ای از احساس را می‌بینیم که در شخصیت‌انگاری «ثانیه» ریخته و در ادامه ترکیب «آوار تنهایی» و پارادوکس بی‌صدا فریاد زدن آدم را می‌برد تا بیدل و : گوش مروّتی کو کز ما نظر نپوشد؟ دست غریق یعنی فریاد بی‌صدایم

حسی که در جان بخشیدن به ثانیه هاست، سکون تلخِ زمان را به ما القا می‌کند و از دیگر سوی لبریز است از عشقی که زیر آوارها مدفون است و امید رهایی و رسیدن دارد
یا تصویر بدیع:

قانون نیوتن روی هواست

سیب

وارونه مرا نگاه می‌کند

طعم پوسیدگی پیدا است

ویرانی

تلخ می‌خندد

از ابتدای انتهای بدین و اشاره آغازین همراه است با ترکیب ساختار شکنانه پیدا
بودن طعم سیب چنان تلخ ویرانی و نگاه کردن وارونه سیب و ...
ضمن آرزوی توفیق برای شاه این مجموعه که بی تردید راهی سخت و دشوار در
پیش دارد و کمترین به خاطر بلوغ ریاضی اطاله کلام به همین دو نمونه از مجموعه زیبایی
که گلچین شده و گزینش یک پدیده می‌کارهای ایشان است اکتفا می‌کنم و قضاوت
را می‌گذارم به عهده سلیقه خوانندگان را می‌که پسندهایشان در بردارنده بهترین
نقد هاست.

این اقبال در سیمای روشن سروده هایشان وجود دارد که در زمانی نه چندان دیر و
دور خواهد توانست جایگاه خویش را پیدا کند و با مخاطبان و علاقه مندان به این شیوه
سرایش و گویش ارتباط زبانی برقرار سازد و پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری بپیماید.

سید محمود علوی نیا

پائیز ۱۳۹۸